

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک بین‌نسلی در شهر کرمانشاه

بیژن زارع،* مهوش لطفی**

چکیده

این تحقیق به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک بین‌نسلی در شهر کرمانشاه می‌پردازد که اطلاعات مربوط به آن با استفاده از نمونه‌ای ۳۰۰ نفری و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از طریق پرسش‌نامه و با مصاحبه حضوری جمع‌آوری شده است. شاخص تحرک متفاوت بودن رتبه منزلت شغلی فرزند در مقایسه با پدر است. براساس این شاخص ۱۸/۷ درصد افراد پاسخگو دارای تحرک صعودی، ۲۵/۷ درصد آنان تحرک افقی و ۲۹/۷ درصد دارای تحرک نزولی بوده‌اند و ۲۶ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه تحرکی نداشته‌اند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته میزان تحرک اجتماعی توسط متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی خانواده و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و تحصیلات فرد تبیین می‌شود و مابقی مربوط به سایر متغیرهاست. متغیرهای تحصیلات فرد و سرمایه اجتماعی خانواده دارای ضریب مثبت با متغیر وابسته بوده است، درحالی‌که متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده ضریب منفی با متغیر وابسته داشته است.

کلیدواژه‌ها: تحرک اجتماعی، سرمایه اجتماعی خانواده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، تحصیلات فرد، تحرک بین‌نسلی.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی dr_bizhanzare@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی mahour89@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲

مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۳-۱۳۹

مقدمه و طرح مسئله

نظام‌های قشربندی به لحاظ میزان انعطاف‌پذیری یا انعطاف‌ناپذیری با هم متفاوت‌اند. منظور از انعطاف‌پذیری یا نبودن یک نظام قشربندی، فرصت‌های زیاد یا کمی است که جامعه برای گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر در مقیاس اجتماعی به افراد عرضه می‌کند (تامین، ۱۳۷۳: ۱۴۷).

مطالعه این جابه‌جایی‌ها - علت‌ها، مدل‌ها و پیامدها- موضوع مطالعه "تحرك اجتماعی"^۱ است. هرچند گاهی از اصطلاح تحرك بهبود وضعیت استنباط می‌شود، این واژه برای سه جهت ممکن هر حرکتی کاربرد دارد: پایین به بالا، بالا به پایین و میان دو موقعیت هم سطح. این سه نوع تحرك را به ترتیب تحرك عمودی،^۲ نزولی و افقی^۳ می‌نامند. جامعه‌شناس می‌کوشد دریابد که عوامل اجتماعی چگونه در تحرك اجتماعی افراد در گروه‌ها نقش ایفا می‌کنند و از طرف دیگر، تلاش می‌کند تأثیرات تحرك اجتماعی و چگونگی آن را بر فرد و جامعه دریابد.

اندازه تحرك عمودی در جامعه شاخص مهمی برای میزان "بازبودن" آن جامعه است، یعنی نشان می‌دهد که افراد باهوش و استعدادی که در قشرهای پایین جامعه به دنیا می‌آیند تا چه حد می‌توانند از نردبان اقتصادی - اجتماعی بالا روند. در جامعه کاملاً باز ظاهراً همه افراد برای رسیدن به موقعیتی که استحقاقش را دارند، از فرصت‌های برابر برخوردارند. تنها عوامل محدودکننده صلاحیت و ترجیحی است که شخص برای موقعیتی خاص قائل است. به علاوه، صلاحیت برای شغل خاص منحصراً از مقوله صلاحیت‌های اکتسابی است؛ نه ولادت، نه پایگاه پدر و نه نابرابری فرصت‌های اولیه در آموزش و پرورش استعدادها، هیچ کدام نمی‌توانند مانعی بر سر راه رسیدن افراد به موقعیت‌هایی باشند که استحقاقش را دارند.

برعکس، در جامعه کاملاً بسته، خشکی و انعطاف‌ناپذیری ساختار اجتماعی به حدی است که افراد توانایی حرکت از پایگاهی را ندارند که به هنگام تولد به آنان واگذار شده است. در چنین جامعه‌ای موقعیت‌های واگذاری به افراد تابع معیارهای خاص گرایانه است، از قبیل روابط خانوادگی، دوستی‌های شخصی یا شکل‌های دیگری از قوم و خویش‌بازی، به نحوی که همه

^۱ Social mobility

^۲ Vertical mobility

^۳ Lateral mobility

فرزندان خود به خود پایگاه پدر را از طریق ارث دریافت می‌کنند. هرگونه ملاحظات مهارت و صلاحیت کارکردی یا موازین گزینشی و هرگونه ایده‌برابری فرصت‌ها و امکانات جایی در فرایند واگذاری پایگاه‌های گوناگون ندارد (تامین، ۱۳۷۳).

در چند دهه گذشته، تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی در ایران به وجود آمده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است: در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر عدل و قسط اسلامی و اجرای سیاست‌های مساوات‌گرایانه همچون دولتی کردن صنایع و نظام بانکی کشور، مصادره‌ها و ضبط اموال طبقات ثروتمند، وضع مالیات‌های تصاعدی و مالیات بردرآمد و ثروت، پرداخت یارانه‌های مصرفی، سیاست‌های تأمین مسکن و برنامه‌های مشوق افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش شدید شمار جمعیت، سیاست گسترش نظام آموزش عالی و وقوع جنگ و مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی؛ و در دهه دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌های مربوط به کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری مجدد صنایع و برخی خدمات دولتی به بخش خصوصی و قانون و مقررات سرمایه‌گذاری تحت عنوان "سیاست‌های تعدیل اقتصادی" و غیره.

این وضعیت پیامدهایی در ساختار اجتماعی و اقتصادی به دنبال داشته که مهم‌ترین آن‌ها تغییر در ساختار شغلی و نظام قشربندی جامعه است. شناخت دقیق تغییرات به‌ویژه درباب ساختار شغلی و نظام قشربندی به‌منظور جلوگیری یا تعدیل پیامدهای منفی این پدیده هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، هزینه‌های مختلف تغییرات را به حداقل ممکن می‌رساند. مسئله اصلی این پژوهش مقایسه منزلت شغلی پدران و فرزندان (آخرین شغل) است تا دریابیم که تا چه حد تحرک اجتماعی بین‌نسلی در کرمانشاه به‌عنوان مرکز استان در غرب کشور رخ داده است؟ این پدیده پیامدهایی هم دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به‌کوشش پژوهشگران جامعه‌شناس مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ازجمله در میان افرادی که به مشاغل دولتی می‌پردازند و فاقد تحرک اجتماعی‌اند، روابط خانوادگی، خویشاوندی و همسایگی سست‌تر از گروه‌های اجتماعی دیگر و میزان مشارکت و عضویتشان در انجمن‌های داوطلبانه ضعیف‌تر از سایر گروه‌هاست (لیت واک، ۱۹۶۰)؛ افرادی که تحرک نزولی دارند عموماً در ارزش‌ها و اعتقاداتشان درباب نظام قشربندی جامعه محافظه‌کارتر از گروه‌های اجتماعی دیگرند و اعتقادی به جامعه باز و ارزش‌ها، لیاقت و مهارت به‌عنوان عوامل ارتقای اجتماعی ندارند (ویلسکی و ادواردز، ۱۹۴۹). نسبت قابل ملاحظه‌ای از زنانی که تحرک اجتماعی نزولی را

تجربه کرده‌اند، در دوران کودکی ازسوی والدینشان و نیز ازطرف اجتماعی که در آن می‌زیستند طرد شده بودند (الیس، ۱۹۵۲). به‌علاوه، تحقیقات نشان داده است که تحرک اجتماعی، خواه عمودی خواه نزولی، همواره با تنش‌های عصبی همراه است (هالینگش و همکار، ۱۹۵۴). بتلهایم و یانوویتز در تحقیقی که درباره رابطه پیشداوری‌های زننده و توهین‌آمیز نژادپرستانه و نوع تحرک اجتماعی افراد انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که در بین افراد دارای تحرک اجتماعی نزولی این پدیده شدید و برعکس در میان افراد دارای تحرک اجتماعی عمودی پیشداوری‌های نژادپرستانه خیلی کم بوده است (بتلهایم و یانوویتز، ۱۹۵۰).

بدین ترتیب، با توجه به پیامدهای تحرک اجتماعی چه در سطح ساختارها و چه در سطح فردی ضرورت و اهمیت مطالعه چگونگی وضعیت تحرک اجتماعی در جامعه آشکار می‌شود. اگرچه باید به این نکته نیز اشاره کرد که امکانات و تسهیلات مختلف خانواده در کنار موقعیت خانواده‌ها در سلسله‌مراتب اجتماعی و میزان برخورداری یا محرومیت خانواده از انواع سرمایه‌ها در تحرک اجتماعی صعودی، نزولی یا افقی فرزندان در کنار زمینه‌های اجتماعی اثر انکارناپذیری دارد. با توجه به مباحث بالا سؤالات زیر راهنمای انجام پژوهش خواهد بود:

۱. متغیرهای زمینه‌ای چون سن، درآمد، تحصیلات، وضعیت تأهل و بعد خانوار چه رابطه‌ای با میزان تحرک اجتماعی افراد دارند؟
۲. زمینه‌ها و امکانات خانوادگی افراد تا چه اندازه بر رسیدن آن‌ها به مقام و موقعیت اجتماعی فعلی آن‌ها تأثیر داشته است؟
۳. آیا بین سرمایه اجتماعی و پایگاه اجتماعی خانوادگی افراد با تحرک اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد؟

اهداف مطالعه

با انجام چنین مطالعاتی، ازیک‌سو می‌توان وضع موجود و چشم‌انداز آتی تحولات را در حوزه قشرینی و تحرک اجتماعی پیش‌بینی کرد. بدین ترتیب که شناخت لازم را برای مشخص کردن الگوی تحرک اجتماعی بین‌نسلی در شهر کرمانشاه می‌توان به‌دست آورد.

از سوی دیگر، نتیجه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجرا شده در کرمانشاه بعد از انقلاب را می‌توان مشاهده کرد. سرانجام، براساس یافته‌ها می‌توان به اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی کلان در این شهر و در نتیجه توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و امکانات کمک کرد.

مرور ادبیات تجربی

اندازه تحرک عمودی در جامعه شاخص مهمی برای بازبودن^۱ آن جامعه است. نخستین مطالعه در زمینه تحرک اجتماعی در جهان را سورکین انجام داد. او مطالعه مفصلی درباره تحرک اجتماعی در امریکا انجام داد و به این نتیجه رسید که فرصت‌های تحرک اجتماعی صعودی سریع در این کشور به مراتب محدودتر از آن است که افسانه‌های قومی رایج نشان می‌دهند (به نقل از گیدنز، ۱۳۸۱: ۲۶۳).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحرک اجتماعی در بریتانیا نشان می‌دهد که تحرک اجتماعی کوتاه‌دامنه (مشاغل نیازمند مهارت کمتر) در مقایسه با تحرک اجتماعی بلنددامنه (مشاغل نیازمند به مهارت و تخصص بیشتر) عمومیت بیشتری داشته است، تحرک اجتماعی درون‌نسلی بسیار نازل بوده است، افراد دارای تحصیلات رسمی بالا، صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی‌شان، احتمال تحرک اجتماعی بیشتری در سلسله‌مراتب منزلتی داشته‌اند. ضمن اینکه سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده افراد در تحرک اجتماعی آن‌ها اثر انکارناپذیری داشته است. فرصت‌های تحرک اجتماعی به‌ویژه برای احراز مشاغل مدیریتی و یقه سفید برای فرزندان طبقه کارگر (یقه‌آبی‌ها) در مقایسه با طبقات بالا بیشتر فراهم شده است (گلاس، ۱۹۵۴). علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی سه طبقه از هفت طبقه سطح بالا ثبات نسلی یا خودگماری است. این سه طبقه در بالا و پایین ساختار طبقاتی قرار داشتند: سطح خودگماری طبقه اجتماعی اول (طبقه خدماتی) ۴۵ درصد بود. درحالی‌که این سطح در طبقات ششم و هفتم (طبقات کارگری) به ترتیب ۳۰ و ۳۵ درصد بود. این امر به معنی ساختمندی بیشتر طبقات مذکور در مقایسه با گروه‌های دیگر است که گروه‌های انتقالی یا سیال بودند. سرانجام، این یافته حاصل شد که بین تحرک اجتماعی روبه‌بالا و تجربه آموزشی

^۱ Openness

پیوند وجود دارد. به عبارت دیگر، «کسانی که منشأ طبقاتی بالاتری دارند (طبقات اول و دوم) از آنجا که منابع و فرصت‌های آموزشی (سرمایه فرهنگی) بیشتری در اختیار دارند، احتمال تحرک اجتماعی‌شان در سلسله‌مراتب طبقاتی بسیار بیشتر از سایر طبقات است» (نافیلد به نقل از کلانتری و قائمی‌زاده، ۱۳۸۱: ۸۰-۷۹).

در مطالعات دیگری که بعد از تحقیقات یادشده در بریتانیا در دانشگاه آکسفورد صورت گرفت، این نتایج به‌دست آمد: تحرک اجتماعی مردان، برخلاف امروز، در گذشته بیشتر بوده است. محققان احتمال داده‌اند این وضعیت به دلیل آن نبوده است که نظام شغلی مساوات‌جویانه‌تر شده است، بلکه ریشه این تغییرات در ادامه رشد شتابان مشاغل بلندپایه یقه‌سفید نسبت به مشاغل یقه‌آبی بود. در آن مطالعات، که با فاصله‌ای ده‌ساله در این دانشگاه انجام شد، نتایج یکسان بود (گلدتورپ و همکاران، ۱۹۸۰؛ گلدتورپ و پین، ۱۹۸۶). اما تحقیق دیگری که به مطالعه اسکن معروف شد، ضمن تأیید نتایج مطالعات قبلی، به نتایج دیگری بدین شرح رسید: محققان دریافتند حدود یک‌سوم کسانی که مشاغل بلندپایه یقه‌سفید یا حرفه‌ای داشتند، از خانواده‌های یقه‌آبی می‌آمدند. چنین یافته‌هایی دال بر انعطاف‌پذیری زیاد جامعه بریتانیا بود. این یعنی خیلی‌ها امکان آن را پیدا کرده بودند که در سلسله‌مراتب اجتماعی روبه‌بالا حرکت کنند؛ هم به‌لحاظ تحرک درون‌نسلی و هم تحرک بین‌نسلی. اما برای زنان چنین نبود، به‌گونه‌ای که بخت آنان با حضور بیش‌ازاندازه در مشاغل یک‌نواخت غیریدی بسته می‌شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بازشدن راه برای تحرک اجتماعی صعودی با برابری بیشتری در فرصت‌های رسیدن به آنجا همراه بوده است (مارشال و همکاران، ۱۹۸۸).

بلاو و دانکن در دهه ۱۹۶۰ پیش‌بینی کردند، کسانی که تحصیلات رسمی سطح بالایی داشتند احتمال تحرکشان در سلسله‌مراتب طبقاتی، صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی‌شان، بسیار بیشتر از کسانی خواهد بود که از تحصیلات رسمی بالایی برخوردار نیستند. آن‌ها به‌ویژه بر نقش آموزش و پرورش در تسهیل تحرک اجتماعی تأکید کردند. این دو محقق با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر، برای تحلیل داده‌های مربوط به یک نمونه ۲۰۷۰۰ نفری معرف ۴۵ میلیون نفر از مردان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهری به این نتیجه رسیدند که «موقعیت خانوادگی از طریق میزان تحصیلاتی که فرد کسب می‌کند و نیز از طریق شغل نخست فرد موقعیت فعلی او را می‌سازد» (بلاو و دانکن، ۱۹۶۷: ۸۰).

شاید بتوان گفت پرآوازه‌ترین مطالعه بین‌المللی درباره تحرک اجتماعی پژوهشی است که لیست و بندیکس (۱۹۵۹) انجام داده‌اند. آن‌ها داده‌های مربوط به نه جامعه صنعتی را - شامل بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی، سوئد، سوئیس، ژاپن، دانمارک، ایتالیا و ایالات متحده آمریکا - جمع‌آوری کردند و توجه اصلی آن‌ها به تحرک مردان از مشاغل یقه‌آبی به مشاغل یقه‌سفید بود. برخلاف انتظار آن‌ها، معلوم شد هیچ‌یک از شواهد نشان نمی‌دهد که ایالات متحده بازتر از جوامع اروپایی باشد. کل تحرک عمودی از مشاغل یقه‌آبی به مشاغل یقه‌سفید در ایالات متحده ۳۰ درصد و در سایر جوامع چیزی بین ۲۷ و ۳۱ درصد بوده است.

سرانجام، در سال‌های اخیر، برخلاف گذشته به الگوهای تحرک در میان زنان نیز توجه بیشتری صورت گرفته است. در زمانه‌ای که دختران در آموزش عالی بیش از پسران به موفقیت تحصیلی رسیده‌اند. در این باره، مطالعه نسلی از سوی دفتر پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی در بریتانیا تحت عنوان بیست و چندساله‌های دهه ۱۹۹۰ انجام شد. در این مطالعه زندگی ۹۰۰۰ بریتانیایی دنبال شد که همگی در یک هفته در سال ۱۹۷۰ به دنیا آمده بودند. در آخرین پیمایشی که در بیست و شش سالگی این پاسخگویان انجام گرفت معلوم شد که هم برای مردان و هم برای زنان، پیشینه خانوادگی و خاستگاه طبقاتی عوامل نیرومندی به حساب می‌آیند. در این مطالعه معلوم شد به‌طور کلی فرصت‌های زنان امروزی بسیار بیشتر از هم‌تایان آن‌ها در نسل قبل است. زنان طبقه متوسط بیشترین بهره را از تحولات یادشده برده‌اند. احتمال دانشگاه‌رفتن آن‌ها و احتمال یافتن شغل‌های پردرآمد پس از فارغ‌التحصیلی برای این زنان درست به‌اندازه هم‌تایان مذکر آن‌هاست (گیدنز، ۱۳۸۶).

در مجموع، باید به این نکته توجه کرد که اکثر جامعه‌شناسان چون سورونسن (۱۹۹۱)، هادسر (۱۹۸۴) و لورچ (۲۰۰۵) در مطالعه تحرک اجتماعی بر موقعیت‌های اکتسابی، به‌ویژه نقش آموزش‌های جدید و جایگاه‌های خالی در ساختار شغلی، توجه داشته‌اند. ضمن آنکه توسعه اقتصادی-اجتماعی روبه افزایش و فراهم شدن امکان اشتغال و فرصت‌های ارتقا برای افراد جامعه صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی آن‌ها از یک سو و درپیش گرفتن سیاست‌های عادلانه‌تر در توزیع امکانات و منابع مختلف از سوی دیگر بر تحرک افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی تأثیرگذار است.

در ایران نیز تحقیقات پراکنده‌ای در زمینه تحرک اجتماعی در طول چند دهه اخیر صورت گرفته است؛ از جمله تحقیق مقدس (۱۳۷۴) که در شهرهای شیراز و یاسوج به انجام

رسیده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در جامعه شهری ایران تحرک شغلی رایج است. عامل مهم آن نیز وضع تحصیلی افراد است. براساس نتایج حاصل می‌توان گفت بین تحرک شغلی، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، منزلت شغل پدر و منزلت اولین شغل فرد رابطه مستقیم وجود دارد.

در تکمیل تحقیق فوق، تحقیق دیگری در برخی شهرهای استان فارس (آباد، لار، استهبان و کازرون) و بوشهر انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که در نیم‌قرن اخیر در جامعه شهری ایران تحرک شغلی عمیقی رخ داده و عامل اصلی آن افزایش تحصیلات و تغییر ساختار شغلی است. در شهرهای استان فارس چون آباد و کازرون تحرک اجتماعی برخلاف بوشهر بازتر است (مقدس و ایران محبوب، ۱۳۸۵).

پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۷۸) در تهران نیز نشان می‌دهد: «عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارت‌اند از منشأ جغرافیایی (شهر یا روستا)، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی فرد و پدرش» (۱۳۹-۱۷۲). کلانتری و قائمی‌زاده نیز (۱۳۸۱) در همدان درباب تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی تحقیقی انجام دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در جامعه شهری فرصت برای تحرک طبقاتی کمتر و محدودتر است. بنابراین طبقات اجتماعی به سوی ساخت‌یافتگی بیشتر پیش می‌روند. البته، تحرک نزولی در بین طبقات بالا نیز عمومیت پیدا کرده و عواملی نظیر شیوه ارث‌بری اسلامی و عدم ثبات اقتصادی در این امر دخیل است. یافته‌های دیگر نیز حاکی از آن است که سطح تحصیلات از عوامل مهم است. تأثیر تحصیل به‌ویژه بر تحرک اجتماعی زنان در مقایسه با مردان بیشتر است. بین سن و تحرک شغلی نیز همبستگی وجود دارد. البته، لازم است یادآوری شود تحرک اجتماعی تا ۴۵ سالگی عمومیت دارد و پس از آن ثبات پیدا می‌کند. عواملی نظیر تحصیلات و شغل پدر تأثیر معنی‌داری بر تحرک شغلی دارند و تحصیلات و شغل مادر تأثیر معنی‌داری بر تحرک شغلی ندارد. سرانجام، یافته‌ها نشان می‌دهد کل تحرک شغلی بین‌نسلی برابر ۷۲ درصد است که ۵۱ درصد تحرک صعودی و ۲۱ درصد تحرک نزولی داشته‌اند. از کل تحرک شغلی، ۳۶ درصد نیز نتیجه عوامل ساختاری است (کلانتری و قائمی‌زاده، ۱۳۸۵).

خدابنده‌لو پژوهشی با عنوان «تحرک اجتماعی بین‌نسلی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه» (۱۳۷۲) انجام داده است. او در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که ۴۰ درصد نمونه مطالعه تحرک صعودی و ۲۰ درصد تحرک نزولی داشته‌اند و ۴۰ درصد بقیه فاقد هرگونه

تحرکی بوده‌اند. یافته‌ها نشان داد عامل سواد و تحصیلات بیشترین تأثیر و منزلت شغلی کمترین تأثیر را بر تحرک صعودی داشته‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی - اجتماعی و به تبع آن توسعه و گسترش فرصت‌های تحصیلی به‌ویژه در مقطع آموزش عالی در ارتقای اجتماعی نقش بی‌چون و چرایی داشته است.

در جمع‌بندی کلی از تحقیقات داخل و خارج، در جایگاه یافته‌ای عام و مشترک، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در حال توسعه می‌توان گفت داشتن تحرک اجتماعی متأثر از زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی افراد است. اگرچه، با وجود تلاش این کشورها در جهت برابری فرصت‌ها، هنوز هم فرصت افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در استفاده از امکانات برابر نیست. نکته دیگر اینکه در این پژوهش‌ها متغیر خاستگاه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر شغل و تحصیلات والدین و درآمد خانواده حضوری همیشگی داشته است؛ به گونه‌ای که اکثر پژوهش‌ها نشان‌دهنده تأثیر این متغیرها در تحرک اجتماعی افراد است.

چهارچوب نظری

دو رویکرد غالب در مطالعات مربوط به نابرابری اجتماعی و تحرک اجتماعی وجود دارد. یکی وجه توزیعی نابرابری و دیگری وجه رابطه‌ای آن. در وجه توزیعی جامعه به صورت سلسله‌مراتبی و متشکل از لایه‌ها یا قشرها نگریسته می‌شود، از این دیدگاه افراد در پیوستاری متشکل از مقوله‌های مجزا جای می‌گیرند. معیارهای متفاوتی برای قشربندی وجود دارد، همان‌گونه که در مرور مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج اشاره شد، در اکثر موارد پژوهشگران به تأسی از وبر، معرف‌های عینی برگرفته از رتبه اقتصادی همچون درآمد، میزان تحصیلات و منزلت شغلی را مورد استفاده قرار می‌دهند. در این دیدگاه شغل مهم‌ترین معرف رتبه کلی قشربندی اجتماعی است. این ادعا تا اندازه‌ای بر این اساس است که شغل با متغیرهایی چون درآمد و میزان تحصیلات، که اساس رتبه‌بندی‌های دیگر را تشکیل می‌دهد، همبستگی دارد. در رویکرد رابطه‌ای، تحلیلگران به پیامدهای رابطه‌ای نابرابری توجه دارند که شامل استثمار و تسلط یک گروه بر گروه دیگر و تأثیر این روابط بر ساختار اجتماعی یا تغییرات اجتماعی است. در این دیدگاه، روابط کنترل و فرمانبرداری در کنش متقابل میان

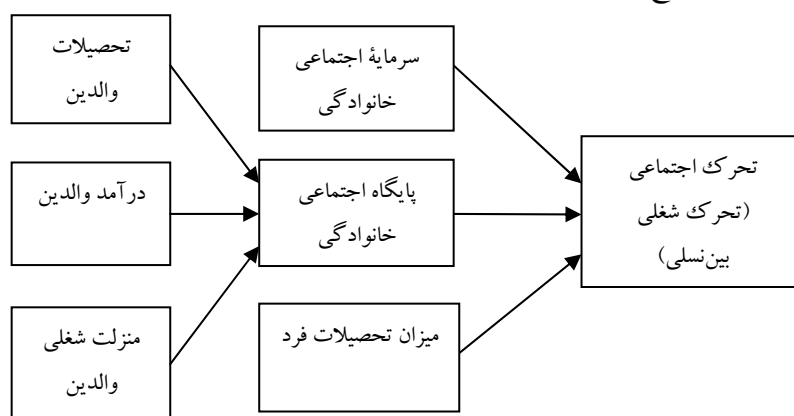
افراد و گروه‌ها منجر به پیدایش نابرابری می‌شود. در این باره، مفهوم قدرت مطرح می‌شود، قدرت هنگامی نمایان می‌شود که عده‌ای به دلخواه قادر به کنترل وضعیت اجتماعی باشند، بدون آنکه اهمیتی برای نظرات موافق و مخالف قائل شوند. زیرا چنین کنترلی به طور معمول بر ایجاد و تقویت حقوق، فرصت‌ها و امتیازات نابرابر میان مردم تأثیر مستقیم دارد (گرب، ۱۳۷۳). بدین ترتیب، می‌توان گفت که در رویکرد توزیعی تحرک شغلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان آمریکایی بیشتر از این جنبه به مطالعه تحرک پرداخته‌اند. «در رویکرد رابطه‌ای، تحرک طبقاتی مدنظر است و جامعه‌شناسان اروپایی به بررسی رابطه تحرک و طبقه اجتماعی علاقه نشان داده‌اند» (کلانتری و قائمی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۸).

مارکس و دورکیم از پرآوازه‌ترین نظریه‌پردازان تغییرات مرتبط با تفکیک اجتماعی‌اند. مارکس بر تضاد طبقاتی تأکید داشت که حاصل دسترسی به نیروی تولیدی جامعه است و موتور حرکتی تغییرات تاریخی به حساب می‌آید (مارکس، ۱۳۵۷). در حالی که دورکیم بر تفکیک مشاغل و پی‌آمد آن، همبستگی اجتماعی، نظر داشت (دورکیم، ۱۳۵۷). شاید این ماکس وبر بود که راه جدیدتری برای طبقات اجتماعی گشود و به تمایز بین طبقه، پایگاه و حزب سیاسی قائل شد. از نظر او، طبقه براساس موقعیت اقتصادی تعریف می‌شد که به نظر او موقعیت طبقاتی در آخرین بررسی یک موقعیت بازاری است. با وجود تأکیدی که بر تصاحب دارایی به شکل سرمایه داشت، که عامل اصلی تعیین‌کننده فرصت زندگی بود، پذیرفت که مردم برحسب احترام اجتماعی و منزلت (شیوه زندگی) نیز متمایز می‌شوند و افراد به تلاش برای قدرت سیاسی در قالب احزاب گوناگون نیز می‌پردازند (وبر، ۱۹۷۸). به طور کلی درباره مارکس می‌توان گفت که او توجه کمتری به تحرک اجتماعی داشت. تنها نوع تحرک به رسمیت شناخته شده از نظر او تحرک جمعی یا ساختاری بود. دورکیم تحرک اجتماعی را حاصل تقسیم کار جدید اجتماعی و آن هم در یک فرآیند ممتد تراکم اخلاقی و جمعیتی می‌دانست. بدین ترتیب، باید گفت که تحرک اجتماعی در جامعه‌ای که ساختار طبقاتی شکل کامل خود را بازنیافته است، به خصوص بعد از انقلاب‌ها، عمومیت بیشتری دارد (سوروکین، ۱۹۵۹).

در ساختار اجتماعی متصلب، که تحرک اجتماعی کمتری وجود دارد، بعضی افراد که عموماً از پایگاه اجتماعی-اقتصادی (تحصیلات، درآمد، منزلت شغلی) بالا و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط) بیشتری نسبت به بقیه افراد جامعه برخوردارند، با استفاده از این شبکه روابط و

داشتن ثروت و پایگاه اجتماعی بالا موقعیت‌های بهتری برای دستیابی به موفقیت و انواع دیگر سرمایه برای خود فراهم می‌آورند (نون، ۲۰۰۷). سرمایه اجتماعی، که در روابط میان افراد تجسم می‌یابد، سرچشمه منافی است که از طریق این روابط و شبکه‌ها عاید فرد می‌شود. به گفته نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی چون کلمن، گرانووتر و دیگران^۱، این روابط و شبکه‌ها نقش سیستم کارایی غیررسمی را ایفا می‌کنند و باعث تحرک اجتماعی از طریق نردبان شغلی و موفقیت در کسب و کار می‌شوند. افراد طبقه بالا نیز به واسطه روابط و شبکه‌هایی که در دسترس دارند، به‌طور مشخص منابع فرهنگی بیشتر و بهتری در اختیار می‌گیرند (بورديو، ۱۳۸۰). بدین ترتیب می‌توان گفت «موفقیت‌های تحصیلی افراد مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده امکان تحرک اجتماعی و کسب دستاوردهای شغلی است، تحصیلات کمتر افراد آنان را وادار به محدودشدن در مشاغل پست و سطح پایین می‌سازد» (کارنوی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۵۲).

همان‌گونه که گفته شد، نظریات یادشده بر اهمیت ویژگی‌های خانواده همچون سرمایه اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی آن تأکید می‌کردند. مطالعات خارجی و داخلی نیز بر این ادعاهای نظری درمجموع صحه گذاشتند. مدل ذیل که از چارچوب نظری پشتیبان پژوهش استخراج شده است چگونگی رابطه متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد.



با توجه به مدل تحقیق و روابط بین متغیرها می‌توان فرضیات ذیل را مطرح کرد:

۱. اگر تحصیلات فرد بالا باشد، میزان تحرک اجتماعی او بیشتر خواهد بود.

^۱ گرانووتر، ۱۹۷۴؛ کلمن، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰؛ ساندرز و نی، ۱۹۹۶؛ رنزولی و همکاران، ۲۰۰۰؛ کوباس و دئولوس، ۱۹۸۹؛ زیمر و آلد ریچ، ۱۹۸۷.

۲. اگر پایگاه اجتماعی والدین بالا باشد، امکان تحرک اجتماعی صعودی فرزندان در مقایسه با پدران کمتر خواهد بود.
۲. ۱. اگر تحصیلات والدین بالا باشد، امکان تحرک اجتماعی صعودی فرزندان کمتر خواهد بود.
۲. ۲. اگر میزان درآمد والدین بالا باشد، امکان تحرک اجتماعی صعودی فرزندان در مقایسه با پدران کمتر خواهد بود.
۲. ۳. اگر منزلت شغلی والدین بالا باشد، امکان تحرک اجتماعی صعودی فرزندان کمتر خواهد بود.
۳. سرمایه اجتماعی خانوادگی با تحرک اجتماعی رابطه دارد، به گونه‌ای که هرچه سرمایه اجتماعی خانوادگی فرد بیشتر باشد، میزان تحرک اجتماعی او بیشتر خواهد شد.

روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی است. جمعیت آماری آن را مردان شاغل ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر کرمانشاه تشکیل داده است. اطلاعات تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه، هم درباره پدر و مادر و هم فرزندان، از طریق مصاحبه حضوری از فرزندان پرسیده شده است. حجم نمونه با توجه به جمعیت مردان شاغل ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر کرمانشاه، یعنی ۱۲۶۰۱۴ نفر و براساس فرمول نمونه‌گیری تعدیل‌شده کوکران ۱ ۲۸۱ نفر تعیین شد. اما، با توجه به لزوم بالابردن ضریب اطمینان، ۳۰۰ پرسش‌نامه تکمیل گردید. در مرحله بعد، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و براساس اطلاعات اخذشده از شهرداری کرمانشاه، شهر به سه منطقه بالا، متوسط و

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} \quad 1$$

برای محاسبه حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است

در این فرمول حجم نمونه n ، حجم جمعیت آماری $N=126014$ ، t با ضریب اطمینان ۰/۹۵ در محدوده اطمینان مورد قبول ۱/۹۶ تعیین شد. d یعنی دقت احتمالی مطلوب که برای تحقیق حاضر ۰/۰۶ در نظر گرفته شده است. در نتیجه، نمونه به‌دست‌آمده ۲۸۱ نفر شده که برای افزایش اطمینان بیشتر تعداد نمونه به ۳۰۰ نفر ارتقا داده شد.

پایین تقسیم و از هر منطقه ۱۰۰ نفر انتخاب شد.^۱ بدین ترتیب باید گفت واحد مشاهده و واحد تحلیل در این تحقیق فرد و سطح تحلیل نیز خرد است. برای انجام آزمون‌های آماری مورد نیاز تحقیق، با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری متغیرها، از روش‌های آماری مناسب هر سطح اندازه‌گیری استفاده شده است.

تعریف نظری و عملی متغیرها

تحرک اجتماعی: به جابه‌جایی یا ایجاد فرصت‌هایی برای جابه‌جایی افراد میان طبقات اجتماعی مختلف یا گروه‌های شغلی گفته می‌شود (نون، ۲۰۰۷). به علاوه، «تحرک بین‌نسلی نوعی تحرک اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد» (کوئن، ۱۳۸۱: ۲۶۲).

در این تحقیق شغل ملاک اصلی تحرک اجتماعی در نظر گرفته شده است. زیرا از یک سو «کسب اطلاعات دقیق مرتبط با شغل افراد امکان‌پذیرتر است و از سوی دیگر، شغل معرف درآمد، سبک زندگی، منزلت اجتماعی و میزان تحصیلات افراد است. ضمن اینکه شغل می‌تواند به عنوان بهترین ملاک سنجش طبقه‌ای نیز به کار رود» (ادیبی، ۱۳۵۴: ۲۴۰).

در این تحقیق سنجش تحرک اجتماعی بین‌نسلی در عمل تحرک شغلی، ملاک اصلی در نظر گرفته شده است و تحرک شغلی معادل تفاضل منزلت شغلی فرزندان با پدران‌شان گرفته شده است. اگر «حاصل تفاوت مثبت و بیش از ۲۰ درجه باشد، تحرک صعودی است. اگر تفاوت مثبت و بین ۲ تا ۱۹ درجه باشد، تحرک از نوع افقی و بین ۲- تا ۲+ بدون تحرک بوده است. بین ۲- و پایین‌تر تحرک نزولی قلمداد می‌شود» (مقدس، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

منزلت شغلی: در این پژوهش مهم‌ترین مسئله یافتن یا تهیه فهرست مشاغل رتبه‌بندی شده براساس منزلت اجتماعی بود. در ابتدا قصد بر این بود که در کنار انجام تحقیق حاضر، تحقیق

^۱ در هر منطقه محله‌ها مشخص و سپس به صورت تصادفی از بین آن‌ها محلاتی بدین ترتیب انتخاب شدند: از منطقه بالا (محله‌های کسری، گلستان و بهار)، از منطقه متوسط (محله‌های فرهنگیان، فاز یک، الهیه و شریعتی) و از منطقه پایین (محله‌های کیان‌شهر، آبادانی مسکن و معلم). در مرحله بعد با مشخص کردن بلوک‌ها در محلات، از بین بلوک‌های هر محله دو بلوک به‌طور تصادفی انتخاب و پس از آن با مراجعه به درب منازل مرتبط با نمونه در هر بلوک در محلات یادشده پرسش‌نامه‌ها تکمیل شدند.

دیگری نیز با هدف رتبه‌بندی مشاغل بر مبنای منزلت اجتماعی انجام شود تا براساس یافته‌های این تحقیق، شغل پاسخگویان کدگذاری و رتبه‌بندی شود، اما به دلیل محدودیت‌های مختلف انجام چنین تحقیقی برای نگارنده میسر نبود؛ بنابراین، قرار بر این شد که از یکی از فهرست‌های رتبه‌بندی مشاغل، که دسترسی به آن امکان دارد، استفاده کنیم و رتبه‌بندی مشاغل را انجام دهیم. به این ترتیب، از فهرست رتبه‌بندی مشاغل ناییبی (۱۳۸۱) و کاظمی‌پور (۱۳۷۴) استفاده شد.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی: پایگاه اجتماعی متضمن رتبه یا مقام فرد در گروه یا رتبه و مقام گروه نسبت به گروه‌های دیگر است (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶) یا موقعیت و منزلتی است که افراد براساس میزان درآمد، تحصیلات و شغل و دیگر عناصر ارزشمند اجتماعی در جامعه کسب می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۱).

در این تحقیق از روش عینی برای سنجش پایگاه اجتماعی والدین استفاده شده است. میزان تحصیلات براساس تعداد سال‌های تحصیل، شغل برحسب منزلت هر شغل، و درآمد برحسب میزان مبلغ دریافتی هر فرد در ماه (به تومان) مورد سنجش قرار گرفته است. گفتنی است به دلیل محدودیت امکانات و زمان انجام تحقیق برای رتبه‌بندی منزلت شغلی، شغل افراد فهرست گروه‌بندی مشاغل کاظمی‌پور (۱۳۷۴ و ۱۳۷۸) را به کار گرفته‌ایم و برای وزندهی به مشاغل از رده‌بندی مشاغل ناییبی (۱۳۸۱) استفاده کرده‌ایم.

سرمایه اجتماعی: «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی است که همکاری درون‌گروه‌ها و بین‌گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند» (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۸۶). در این پژوهش منظور از سرمایه اجتماعی شبکه‌هایی با هنجارهای اعتماد و عمل متقابل است که با ساختار روابط اجتماعی خاصی بین کنشگران مشخص می‌شود. برای سنجش سرمایه اجتماعی این متغیر به سه مقوله اعتماد اجتماعی، عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها و میزان روابط اجتماعی تقسیم شده است. سؤالات مربوط به اعتماد اجتماعی (میزان اعتماد به اعضای خانواده، دوستان و همسایگان، خویشاوندان، گروه‌ها و نهادها) در سطح سنجش ترتیبی، سؤالات مرتبط به عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها (عضویت در انجمن‌های هنری، باشگاه‌ها و گروه‌های ورزشی، سازمان‌های مردمی و غیردولتی و کتابخانه‌های عمومی) در سطح سنجش اسمی و فاصله‌ای، و سؤالات مربوط به

میزان روابط اجتماعی (میزان رفت‌وآمد با خویشاوندان، همسایگان و دوستان، ارتباط با شبکه‌های محلی، گردش جمعی با دوستان و غیره) در سطح سنجش ترتیبی طراحی شده است. میزان آلفای کرونباخ متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و تبیینی ارائه می‌شود.

الف) بخش توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی سن، وضعیت تأهل، تحصیلات فرد، پدر و مادر، درآمد خانواده

متغیرهای زمینه‌ای	طبقات	درصد معتبر	متغیرهای زمینه‌ای	طبقات	درصد معتبر
سن پاسخگویان	۲۰-۳۰	۳۶/۱	وضعیت تأهل پاسخگویان	مجرد	۳۷/۲
	۳۰-۴۰	۳۲/۶		متأهل	۵۸
	۴۰-۵۰	۳۱/۳		مطلقه	۴/۸
	مجموع	۱۰۰		مجموع	۱۰۰
درآمد افراد پاسخگو	کمتر از ۴۰۰۰۰۰ تومان (پایین)	۵۱	میزان تحصیلات پاسخگویان	پایین	۴۲/۸
	۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان (متوسط)	۲۸		متوسط	۲۷/۹
	بیش از ۸۰۰ هزار تومان (بالا)	۲۱		بالا	۲۹/۳
	مجموع	۱۰۰		مجموع	۱۰۰
تحصیلات والدین ^۱	پایین	۵۸/۷	درآمد پدر پاسخگویان ^۲	کمتر از ۴۰۰۰۰۰ تومان (پایین)	۷۹/۲

^۱ شاخص تحصیلات والدین از ترکیب و دسته‌بندی تحصیلات پدر و مادر پاسخگویان به دست آمده است. هریک از دو متغیر یادشده در ابتدا به ترتیب در پنج طبقه بی‌سواد کد ۱، ابتدایی و سیکل کد ۲، دیپلم کد ۳، فوق‌دیپلم و لیسانس کد ۴ و فوق‌لیسانس و دکتری کد ۵، دسته‌بندی و با هم ترکیب شد و امتیازات به دست آمده بر ۲ تقسیم شد. در نهایت شاخص تحصیلات والدین به سه گروه پایین (بی‌سواد، ابتدایی و سیکل)، متوسط (دیپلم و فوق‌دیپلم) و بالا (لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری) تقسیم‌بندی شده‌اند. گفتنی است با توجه به ملاک مدرک تحصیلی، امتیازاتی را که به صورت ۱۳/۵ یا ۲/۵ و مواردی از این قبیل به دست آمد، در مدرک تحصیلی پایین‌تر جای داده‌ایم.

^۲ با توجه به اینکه ۸۸ درصد مادران خانه‌دار بوده‌اند، اکثر قریب به اتفاق آن‌ها فاقد درآمد بوده‌اند. بنابراین، داده‌های مربوط به درآمد و شغل مادران گزارش نشده و تنها از داده‌های مربوط به درآمد و شغل پاسخگویان و پدران آن‌ها استفاده شده است.

۱۹/۸	۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان (متوسط)		۲۳/۲	متوسط	
۱	بیش از ۸۰۰ هزار تومان (بالا)		۱۸/۱	بالا	
۱۰۰	مجموع		۱۰۰	مجموع	
۳۷/۴	بالا	گروه‌های شغلی پاسخگویان	۱۴/۴	بالا	گروه‌های شغلی پدران
۳۰	متوسط		۳۲/۴	متوسط	
۳۲/۶	پایین		۵۳/۲	پایین	
۱۰۰	مجموع		۱۰۰	مجموع	

براساس یافته‌های جدول ۱، میانگین سنی پاسخگویان ۳۵ سال و بیشترین سن پاسخگویان ۵۰ سال بوده است. ۵۸ درصد پاسخگویان متأهل، ۴/۸ درصد مطلقه و مابقی مجرد هستند. بیشترین میزان تحصیلات به افراد دارای تحصیلات پایین (بی‌سواد، کم‌سواد و سیکل) یعنی حدود ۴۰/۴ درصد کل پاسخگویان تعلق دارد. ۶۰/۸ درصد پاسخگویان در خانواده‌های دارای بعد متوسط خانوار زندگی می‌کنند. بیشترین درصد فراوانی تحصیلات پدر پاسخگویان به تحصیلات پایین و کمترین درصد فراوانی تحصیلات پدر پاسخگویان به تحصیلات در سطح بالا (لیسانس به بالا) تعلق دارد. یافته‌های جدول حاکی از آن است که ۵۱ درصد درآمد پایین دارند، ۲۱ درصد دارای درآمد بالا هستند و بقیه از درآمد متوسط بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان برخوردارند. درآمد ۷۹/۲ درصد پدران پاسخگویان پایین بوده و تنها یک درصد از آنان دارای درآمد بالا بوده‌اند. سرانجام، باید گفت والدین ۵۸/۷ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات پایین، ۲۳/۲ درصد دارای تحصیلات متوسط و ۱۸/۱ درصد دارای تحصیلات بالا بوده‌اند. درواقع، بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات پایین بوده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و وابسته

معرف‌ها	طبقات	درصد	معرف‌ها	طبقات	درصد
اعتماد اجتماعی	پایین	۱۲/۷	سرمایه اجتماعی	پایین	۴۶/۳
	متوسط	۵۷		متوسط	۴۴
	بالا	۳۰/۳		بالا	۹/۷
	مجموع	۱۰۰		مجموع	۱۰۰
عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها	بدون عضویت	۴۴/۳	تحرك اجتماعی	تحرك صعودی	۱۸/۷
	پایین	۴۵/۱		تحرك افقی	۲۵/۶

۲۶	بدون تحرک		۹/۳	متوسط	
۲۹/۷	تحرک نزولی		۱/۳	بالا	
۱۰۰	مجموع		۱۰۰	مجموع	
۵۲/۶	پایین	پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانوادگی پاسخگویان	۳۴	پایین	میزان روابط اجتماعی
۲۲/۱	متوسط		۴۰	متوسط	
۲۵/۳	بالا		۲۶	بالا	
۱۰۰	مجموع		۱۰۰	مجموع	

ارقام جدول ۲ مبین آن است که بیشترین میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان مربوط به بعد اعتماد اجتماعی و کمترین میزان مربوط به بعد عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌هاست. درحالی‌که نزدیک به نیمی از جمعیت نمونه نیز در هیچ انجمن هنری، گروه ورزشی یا سازمان مردمی و غیردولتی عضو نیستند. احتمال دارد دلیل این امر عدم درک امکان مشارکت یا عدم درک فواید حاصل از مشارکت در فعالیت‌های انجمنی باشد. بیشترین درصد پاسخگویان در نمونه سرمایه اجتماعی پایین دارند. براساس داده‌های جدول ۲ می‌توان گفت بیشترین درصد والدین پاسخگویان در پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین، یک‌چهارم آن‌ها در پایگاه بالا و کمترین درصد در پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط قرار دارند. گفتنی است با توجه به مطالعه مقدس (۱۳۷۴) جهت تعیین میزان تحرک افراد نمونه از اختلاف منزلت شغلی پدر و پسر (پاسخگو) استفاده شده است. براین اساس، بیشترین میزان تحرک اجتماعی به گروه دارای تحرک نزولی، پس از آن به گروه بدون تحرک، در وهله بعد به گروه دارای تحرک افقی و سرانجام کمترین درصد به گروه دارای تحرک صعودی تعلق داشته است. نکته قابل توجه آن است که میزان تحصیلات فرزندان در مقایسه با تحصیلات والدین به مراتب بیشتر است. این امر هم بر نوع شغل و هم درآمد و بالتبع تحرک اجتماعی آنان در مقایسه با والدین تأثیر تعیین‌کننده و انکارناپذیری دارد.

ب) یافته‌های تبیینی

در این بخش به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و زمینه‌ای با متغیر وابسته خواهیم پرداخت و در ادامه فرضیه‌ها را آزمون خواهیم کرد.

جدول ۳. چگونگی رابطه میان ابعاد متغیر وابسته تحقیق با متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

تحرك اجتماعى					ابعاد متغير وابسته	متغيرهاى زمينه‌اى
مجموع	تحرك نزولى	بدون تحرك	تحرك افقى	تحرك صعودى		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	طبقات	سن پاسخگويان
۱۰۰	۱۶	۳۶/۸	۱۵/۱	۳۲/۱	۲۰-۳۰	
۱۰۰	۳۳/۳	۱۵/۶	۴۱/۷	۹/۴	۳۰-۴۰	
۱۰۰	۳۹/۱	۲۵	۲۱/۷	۱۴/۱	۴۰-۵۰	
۱۰۰	۲۸/۹	۲۶/۲	۲۵/۹	۱۹	مجموع	
معنادارى=۰/۰۰۱						وضعيت تاهل ^۱ پاسخگويان
۱۰۰	۲۲	۱۸/۳	۳۰/۳	۲۹/۴	مجرد	
۱۰۰	۳۱/۱	۳۱/۱	۲۳/۴	۱۴/۴	متاهل	
۱۰۰	۲۷/۵	۲۶/۱	۲۶/۱	۲۰/۳	مجموع	
معنادارى=۰/۰۰۰۲						درآمد پاسخگويان
۱۰۰	۳۶/۳	۲۳/۳	۲۸/۱	۱۲/۳	پايين	
۱۰۰	۳۱/۳	۳۰	۲۵	۱۳/۸	متوسط	
۱۰۰	۷/۶	۲۶/۷	۲۱/۷	۴۵	بالا	
۱۰۰	۲۸/۷	۲۵/۹	۲۵/۹	۱۹/۶	مجموع	
معنادارى=۰/۰۰۰						معنادارى=۰/۰۰۰
۰/۲۲۵= تاي سي كندال						
گاما=۰/۳۲۴						

داده‌های جدول ۳ حاکی است که بین مقاطع سنی و تحرك اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به گونه‌ای که در مقطع سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، درصد افرادی که تحرك اجتماعی صعودی داشته‌اند به مراتب بیشتر است. براین اساس، ۳۴ درصد کسانی که تحرك صعودی داشته‌اند در مقطع سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بوده‌اند و ۳۶ درصد کسانی که تحرك نزولی داشته‌اند در مقطع سنی ۴۰ تا ۵۰ سال بوده‌اند.

داده‌های موجود در جدول نشان می‌دهد رابطه بین وضعیت تأهل و تحرك اجتماعی معنادار است. به گونه‌ای که ۳۲ درصد مجردها و ۲۴ درصد از متأهل‌ها تحرك صعودی داشته‌اند. ارقام جدول ۳ سرانجام مبین آن است که بین میزان درآمد افراد و تحرك اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت کسانی که از درآمد بالاتری

^۱ با توجه به تعداد اندک افراد مطلقه در این جدول از بررسی آن‌ها صرف نظر شده است.

برخوردار باشند (شاید به دلیل تحصیلات بالاتر) بیشتر احتمال دارد که از تحرک صعودی برخوردار شوند.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون میان درآمد فرد و تحرک اجتماعی

میزان درآمد	متغیر مستقل / متغیر وابسته	
	ضریب همبستگی پیرسون	تحرک اجتماعی
۰/۳۰۵		(دامنه ۲ - معناداری)
۰/۰۰۰		
۲۸۶		تعداد پاسخگویان

با توجه به سطح معناداری ضریب همبستگی پیرسون مربوط به درآمد فرد و تحرک اجتماعی او، می‌توان گفت احتمالاً افرادی که از درآمد بیشتری برخوردارند (شاید به دلیل تحصیلات بالاتر) از تحرک اجتماعی صعودی بیشتری هم برخوردار شده‌اند.

آزمون فرضیات

فرضیه اول. هرچه تحصیلات فرد بیشتر باشد، میزان تحرک اجتماعی او بیشتر است.

جدول ۵. تحلیل واریانس یک طرفه میانگین تحرک اجتماعی و تحصیلات فرد

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	اف	معناداری	
۳۰۲۱۸/۴۱۷	۲	۱۵۱۰۹/۲۰۸	۹/۱۳۶	۰/۰۰۰	میان گروهی
۳۲۴۲۷/۶۷۲	۲۹۴	۱۱۰/۲۹۸			درون گروهی
۶۲۶۴۶/۰۸۸	۲۹۶				مجموع

داده‌های موجود در جدول ۵ حاکی از آن است که نتیجه آزمون میانگین تحلیل واریانس تحرک اجتماعی افراد با تحصیلات آن‌ها تفاوت معنی‌داری دارد. یعنی تحرک اجتماعی در گروه‌های مختلف تحصیلی افراد پاسخگو با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند. هرچه افراد تحصیلات بالاتری داشته‌اند، از تحرک اجتماعی بیشتری برخوردار شده‌اند و با این وضعیت فرضیه اول تحقیق اثبات می‌شود.

فرضیه دوم. هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین بالاتر باشد، امکان تحرک اجتماعی صعودی فرزندان کمتر است. برای سنجش رابطه ابعاد پایگاه اجتماعی خانواده با تحرک

اجتماعی از رگرسیون چندمتغیره به روش قدم به قدم استفاده شده است. جدول ۶ چگونگی این رابطه را نشان می دهد.

جدول ۶. رگرسیون چندمتغیره برای ابعاد پایگاه اجتماعی - اقتصادی

متغیرهای مستقل	وزن بتا	تی	بتا	معناداری
میزان تحصیلات والدین	-۰/۲۴	-۳/۷۰	-۰/۴۸	۰/۰۰۰
منزلت شغلی پدر	-۰/۴۰	-۷/۹۰	-۰/۴۱	۰/۰۰۰
میزان درآمد پدر	-۱/۳۳	-۳/۲۴	-۰/۱۶	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۳۰/۱۶			
مقدار اف	۴۱/۳۳			
ضریب همبستگی	۰/۵۴			
ضریب تعیین	۰/۲۹			
معناداری	۰/۰۰۰			

ارقام مندرج در جدول یادشده نشان می دهد، ضریب همبستگی چندگانه تحرک اجتماعی با ترکیب خطی میزان تحصیلات والدین، منزلت شغلی پدر و درآمد معادل ضریب همبستگی ۰/۵۴ و ضریب تعیین آن معادل ۰/۲۹ است. بدین معنا که سه بعد پایگاه اجتماعی در مجموع ۰/۲۹ درصد از واریانس متغیر تحرک اجتماعی را تبیین می کنند. با استفاده از ضرایب استاندارد بتا می توان گفت میزان تأثیر معکوس منزلت شغلی پدر بر میزان تحرک اجتماعی فرزند برابر ۰/۴۱-، میزان تأثیر معکوس تحصیلات والدین بر تحرک اجتماعی فرزند برابر ۰/۱۸- و میزان تأثیر معکوس درآمد پدر بر تحرک اجتماعی فرزند معادل ۰/۱۶- است. با توجه به این وضعیت می توان گفت در بین عناصر تشکیل دهنده متغیر پایگاه اجتماعی خانواده، منزلت شغلی پدر بیشترین تأثیر را بر تحرک اجتماعی فرزند دارد.

فرضیه سوم. سرمایه اجتماعی با تحرک اجتماعی رابطه دارد؛ به گونه ای که هرچه سرمایه اجتماعی فرد بیشتر باشد میزان تحرک اجتماعی اش بیشتر است.

برای بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتیجه رگرسیون چندمتغیره رابطه متغیر وابسته تحرک اجتماعی با ابعاد سرمایه اجتماعی در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷. رگرسیون چندمتغیره ابعاد سرمایه اجتماعی روی تحرک اجتماعی

ابعاد سرمایه اجتماعی	بتا	وزن بتا	معناداری
اعتماد اجتماعی	۰/۱۳۹	۰/۱۸۳	۰/۰۲۰
روابط اجتماعی	۰/۱۵۶	۰/۳۰۸	۰/۰۱۹
عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها	۰/۱۵۷	۰/۱۰۱	۰/۰۱۲
مقداراف	۱۳		
ضریب همبستگی	۰/۳۴۱		
ضریب تعیین	۰/۱۱۶		
مقدار ثابت	-۱۵/۵۱۹		
معناداری	۰/۰۰۰		

داده‌های موجود در جدول ۷ نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه تحرک اجتماعی با ترکیب خطی متغیرهای اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و عضویت و مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها معادل ۰/۳۴۱ و نسبتی از واریانس کل متغیر وابسته که از طریق مشارکت نسبی متغیرهای موجود در معادله تبیین شده معادل ۰/۱۱۶ است. معنی‌داری معادل ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده تأیید رابطه آماری متغیر وابسته تحرک اجتماعی با ابعاد متغیر مستقل سرمایه اجتماعی است که براساس آن فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود.

آزمون رگرسیون چندمتغیره

برای آنکه سهم و میزان اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق یعنی تحرک اجتماعی روشن شود، از رگرسیون چندمتغیره به روش قدم‌به‌قدم استفاده کرده‌ایم. حاصل این آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. رگرسیون چندمتغیره مربوط به بررسی روابط هم‌زمان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحرک اجتماعی

متغیر	مقدار ثابت	وزن بتا	بتا	تی	معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	اف	معناداری
سرمایه اجتماعی	-۸/۱۲	۰/۱۱	۰/۳۲	۵/۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۱۰	۳۴/۸۱	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۱۴/۵۹	۰/۱۱	۰/۳۰	۵/۶۵	۰/۰۰۰	۰/۳۷	۰/۱۴	۲۳/۵۶	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات		۰/۵۵	۰/۱۸	۳/۳۳	۰/۰۰۱				
سرمایه اجتماعی	۱۱/۳۶	۰/۱۲	۰/۳۲	۶/۱۲	۰/۰۰۰	۰/۴۳	۰/۱۸	۲۲/۱۸	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات		۰/۷۰	۰/۲۳	۴/۲۴	۰/۰۰۰				
پایگاه اجتماعی		-۰/۸۷	-۰/۲۲	-۴/۱	۰/۰۰۰				

با توجه به ارقام مندرج در جدول ۸ می‌توان گفت متغیرهایی که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. این متغیرها عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات فرد و پایگاه اجتماعی. ضریب همبستگی چندگانه سه متغیر یادشده با متغیر وابسته تحرک اجتماعی برابر $0/43$ و ضریب تعیین متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات فرد و پایگاه اجتماعی در مجموع $0/18$ درصد از واریانس متغیر تحرک اجتماعی را با سطح معناداری $0/000$ تبیین می‌کنند. مقدار بتای متغیر سرمایه اجتماعی حاکی از آن است که به‌ازای یک واحد تغییر در این متغیر $0/32$ تغییر در متغیر وابسته یعنی تحرک اجتماعی رخ می‌دهد، اگرچه براساس ارقام مربوط به ابعاد سرمایه اجتماعی می‌توان گفت، متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین سهم را در مقایسه با سایر ابعاد سرمایه اجتماعی در تبیین متغیر وابسته تحقیق یعنی تحرک اجتماعی داشته است. با توجه به مقدار بتای متغیر تحصیلات فرد می‌توان گفت به‌ازای یک واحد تغییر در این متغیر $0/23$ تغییر در متغیر تحرک اجتماعی ایجاد می‌شود. سرانجام، براساس مقدار بتای متغیر پایگاه اجتماعی خانواده می‌توان نتیجه گرفت که به‌ازای یک واحد تغییر در این متغیر به‌اندازه $0/22$ تغییر در متغیر وابسته تحرک اجتماعی به وقوع می‌پیوندد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در چهارچوب نظری گفته شد، وبر پایگاه اجتماعی-اقتصادی را عامل مهمی در قشربندی افراد می‌داند. علاوه بر این، مطالعات پیشین، ازجمله پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۷۴)، نیز رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی را با تحرک اجتماعی به اثبات رسانده‌اند؛ بدین‌صورت که در طبقات بالا تحرک نزولی و در طبقات پایین تحرک صعودی فرزندان در مقایسه با پدران بیشتر صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز این امر را تأیید می‌کند. ضمن آنکه، براساس نظریه بورديو مدرک تحصیلی افراد بر نوع مشاغل و به تبع آن نوع تحرک اجتماعی آنها تأثیر انکارناپذیری دارد. هم یافته‌های تحقیقات پیشین و هم یافته‌های این پژوهش بر این ادعا مهر تأیید می‌زند. به‌احتمال، دلایل این امر را باید ازیک‌سو، گسترش شدید مراکز آموزش عالی در اقصی‌نقاط کشور و ازجمله استان کرمانشاه دانست. در نتیجه این امر فرزندان طبقات پایین نیز همچون فرزندان طبقات متوسط و بالا امکان اخذ مدارک تحصیلی عالی را

پیدا کردند. از سوی دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی پس از انقلاب که با رویکرد حمایت از طبقات محروم در کشور به اجرا گذاشته شده هم باعث افزایش فرصت‌های شغلی و هم اشتغال فرزندان طبقات پایین به‌ویژه در مشاغل مدیریتی با منزلت بالا شد. در نتیجه، موقعیت فرزندان طبقات پایین در مقایسه با موقعیت اجتماعی پدران‌شان بهبود یافت.

کلمن نیز در نظریه خود سرمایه اجتماعی خانوادگی فرد را سرچشمه منافع می‌داند که از طریق شبکه‌ها و گروه‌هایی عاید فرد می‌شود که فرد یا خانواده‌اش عضو آن‌هاست. متداول‌ترین بهره‌مندی از این شکل سرمایه اجتماعی برای فرد در عرصه قشربندی و تحرک اجتماعی است. افرادی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند، با سهولت بیشتری می‌توانند از نردبان شغلی و موفقیت در کسب‌وکار بالا روند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز صحت ادعای نظریه کلمن و سایر صاحب‌نظران را در زمینه تحرک اجتماعی تأیید کرده است.

سرانجام، باید گفت نتایج پژوهش خداینده‌لو در باب تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه که در سال ۱۳۷۲ صورت گرفت حاکی است ۴۰ درصد اعضای جمعیت نمونه تحقیق تحرک صعودی دارند، ۲۰ درصد تحرک نزولی داشته‌اند و ۴۰ درصد بقیه نیز فاقد هرگونه تحرک اجتماعی بوده‌اند. درحالی که یافته‌های پژوهش حاضر مبین این است که در جمعیت نمونه براساس تفاضل منزلت شغلی پدر و فرزند، ۱۸/۷ درصد تحرک صعودی و ۲۵/۶ درصد تحرک افقی داشته‌اند، ۲۶ درصد بدون تحرک بوده‌اند و ۲۹/۷ درصد نیز دارای تحرک نزولی بودند. مقایسه نتایج دو تحقیق با یکدیگر نشان می‌دهد از سال ۱۳۷۲ تاکنون از میزان تحرک صعودی در حد زیادی کاسته شده، ولی میزان تحرک نزولی روبه‌افزایش گذاشته است. درمقابل، بر میزان افراد بدون تحرک و دارای تحرک اجتماعی افقی افزوده شده است. این وضعیت احتمالاً مبین آن است که عوامل تسهیل‌کننده تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه نسبت به جمعیت واقع در سن فعالیت از کفایت لازم برخوردار نبوده است. این امر می‌تواند از یک سو به دلیل رشد زیاد جمعیت و از سوی دیگر عدم سرمایه‌گذاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های بیشتر اشتغال باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش بررسی چگونگی روند تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۶۵) با استفاده از شاخص‌هایی همچون نیروی انسانی (۱۱ خرده‌شاخص)، مسکن و ساختمان (۹ خرده‌شاخص)، ارتباطات و فرهنگ (۹ خرده‌شاخص) و بهداشت و درمان (۷ خرده‌شاخص) و با استفاده از مدل تاکسونومی به نتایجی

بدین شرح رسیده است: استان‌های توسعه یافته (شامل تهران، یزد، اصفهان، فارس، مازندران و خراسان)، در حال توسعه (شامل چهارمحال و بختیاری، مرکزی، قم، بوشهر، کرمان و گیلان)، کمتر توسعه یافته (شامل ایلام، خوزستان، آذربایجان شرقی، زنجان، هرمزگان و آذربایجان غربی) و توسعه نیافته (شامل گلستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، کرمانشاه، اردبیل، سیستان و بلوچستان، لرستان و کردستان) (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۲-۳). بر این اساس و با توجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه لازم است دولت به عنوان سیاست گذار و برنامه ریز اجرایی اقدامات عاجلی را در زمینه انواع سرمایه گذاری و به تبع آن ایجاد اشتغال و فراهم آوردن زمینه ایجاد عدالت توزیعی و برابری فرصت‌های تحرک اجتماعی در تمام نقاط کشور و به ویژه شهر کرمانشاه به عمل آورد.

منابع

- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۷۲) «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، ترجمه عماد افروغ، فصلنامه راهبرد، شماره ۲: ۱۰۲-۱۲۶.
- اشرف، احمد (۱۳۴۶) جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در آمریکا، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۸۳) «بررسی روند تغییرات توسعه یافتگی استان‌های کشور (دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۵)»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۹: ۳-۲۲.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی قشر بندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- خدا بنده‌لو، سعید (۱۳۷۲) تحرک اجتماعی بین نسلی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- دورکیم، امیل (۱۳۵۷) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷) دایرةالمعارف تطبیقی علوم/اجتماعی، تهران: کیهان.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- کلانتری، صمد و محمدسلیمان قائمی‌زاده (۱۳۸۱) «تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی: مطالعه موردی شهر همدان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴: ۷۶-۱۰۰.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۴) تحرک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴: ۱۳۹-۱۷۲.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: فرهنگ معاصر.
- گرب، ادوارد (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی، ترجمه محمدسیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- مارکس، کارل (۱۳۵۷) کاپیتال، ترجمه اسکندری، تهران: حزب توده.
- مقدس، علی‌اصغر (۱۳۷۴) ساختار شغلی و تحرک اجتماعی در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، مورد مطالعه شهرهای شیراز و یاسوج، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- مقدس، علی‌اصغر و جلیل ایران محبوب (۱۳۸۵) «تحرک طبقاتی و اجتماعی در شهرهای فارس و بوشهر»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱: ۲۰۱-۲۳۴.
- نایبی، هوشنگ (۱۳۸۱) فشربندی اجتماعی برحسب پرستیژ اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Bettelheim, B. & Janowitz, M. (1950) *Dynamics of Prejudice*, New-York: Harper & Brothers.

Blau, P. & Duncan, O. (1967) *The American Occupational Structure*, New York: John Wiley & Sons Company.

- Cobas, J. A. & Deolls, I. (1989) "Family Ties, Co-Ethnic Bonds and Ethnic Entrepreneurship", *Sociological Perspectives*, 32 (3): 403-412.
- Coleman, J. S (1990) *Foundations of Social Theory*, Cambridge: Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1988) "Social Capital in the Ceation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94 (Supplement), 95-120.
- Ellis, E. (1952) Upward Social Moility Aamong Unmarried Career Women, *American Sociological Review*, 17: 553-563.
- Glass, D. (1954) *Social Mobility in Britain*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Goldthorpe, J. H. & etal (1980) *Social Mobility and Class Structure in Modern Britain*, Oxford: Clarendon Press, 2 nd end 1987.
- Goldthorpe, J. H. & Payne,C. (1986) "Trends in Intergenerational Class Mobility in England and Wales 1972- 1983", *Sociology,The Journal of British Sociological Association*,20.1.
- Granovetter, M. S. (1974) *Getting a Job: A Study of Contacts and Careers*. Caombridge: Harvard University press.
- Grusky, D. B. &Hauser, M. R. (1984) "Comparative Social Mobility Revisited: Models of Convergence and Divergence in 16 Countries", *American Sociological Review*, 49.19-38.
- Hauser, R. M. (1984) "Vertical Class Mobility in England, France and Sweden" , *Acta Sociological*, 27: 87-110.
- Heath, A. (1981) *Social Mobility* ,London: Fontana.
- Hollingshead,A.B & Kirby,E.R. (1954) "Social Mobility and Mental Illness", *American Sociological Review*. 19(5),577-584.
- Kano, H. (1978) "City Development and Occupational Change in Iran: A Case Study of Hamadan" ,*The Developing Econimies*, 2: 298- 328.
- Lipset, S. M. & Reinhard, B. (1959) *Social Mobility in Industrial Society*, Berkeley: University of California Press.
- Litwak, E. (1960) "Occupational Mobility and Extended Family Cohesion", *American Sociological Review*, 25:1.
- MacIntire, E. W. (1981) *Migrants and Bureacrate: Social Mobility in an Iranian Town*, Ph.D. Dissr. Harvard University.
- Marshall, G. & etal (1988) *Social Class in Modern Britain*, London: Hutchin son.

- Nunn, A. Bickerstaffe, T. & etal (2007) *Factors Influencing Social Mobility*, DWP Research Report No.450, Leeds: Corporate Document Services. England Metropolitan University.
- Renzulli, L. & etal (2000) "Family Matters: Gender, Networks, and Entrepreneuril Howard, A Outcomes," *Social Forces*, 79 (2): 523- 546.
- Sanders, J. M. & Nee, V. (1996) "Immigrant Self - Employment: The Family as Social Capital and the Value of Human Capital", *American Sociological Review*, 61:231- 249.
- Sorocin, P. (1959) *Social and Cultural Mobility*, New York: Free Press.
- Wilensky, H. & Hugh, E. (1949) "The Skiddey: Ideological Adjustments of Downward Mobil Workers", *American Sociological Review*, 24 (2): 213-215.
- Weber, M. (1978) *From Max Weber, Gerth and Mills*, Oxford: Oxford University Press.
- Yaish, M. E. (2001) "Class Structure in deeply divided Society: Class and Ethnic Inequality in Israiel", *British Journal of Sociology*, 17:137-156.
- Zimmer, C. & Aldrich, H. (1987) "Resource Mobilization Through Ethnic Network: Kinship and Friendship Ties of Shopkeepers in England", *Sociological Perspectives*, 30 (4): 422-445.
- Torch, F. (2005) "Perspective Social Mobility in Chilie in Comparaocialm", *American Sociological Review*, 70 (3): 422-450.